

کرسی آزاد اندیشی "بررسی جنایات اسرائیل در غزه از منظر حقوق بین الملل" برگزار شد



کرسی آزاد اندیشی با موضوع بررسی جنایات اسرائیل در غزه از منظر حقوق بین الملل در پژوهشگاه مطالعات تقریبی برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، کرسی آزاد اندیشی "بررسی جنایات اسرائیل در غزه از منظر حقوق بین الملل" به صورت حضوری و مجازی در پژوهشگاه مطالعات تقریبی برگزار گردید.

کارشناس این کرسی دکتر سیداحمد طباطبایی لطفی استادیار دانشکده حقوق دانشگاه تهران پیرامون نکات مهم حقوق بین الملل مرتبط با جنایات اسرائیل در غزه، اظهار داشت: مباحث مرتبط با این موضوع را به سه قسمت: اول ماهیت حقوق بین الملل، دوم مرور کوتاه بر سابقه تاریخی مسئله فلسطین و سوم حقوق مخاصمات مسلحانه و تطبیق آن بر اقدامات اسرائیل در سرزمین های اشغالی خصوصا در غزه تقسیم خواهیم کرد.

دکتر لطفی، افزود: همانگونه که جامعه داخلی برای تنظیم روابط انسان ها نیاز به مقرراتی است، در

صحنه بین الملل این ضرورت وجود دارد که رابطه کشورها و نحوه رفتارشان تحت ضوابط و قواعدی قانونمند شود، اما آنکه آیا این حقوق بین الملل با عدالت، منطق و انصاف هماهنگ است نیاز به بررسی مفصل دارد.

وی ادامه داد: نکته اول و مهم این است که در حقوق بین الملل برخلاف حقوق داخلی رضایت کشورها ملاک است، یعنی کشورها با میل خود قوانینی را قبول می کنند و نمی توان آنان را تحمیل به قبول قوانین کرد که در واقع یکی از ویژگی های حقوق بین الملل این مسئله است؛ نکته دوم در رابطه با مسئله حقوق بین الملل، ضمانت اجرای حقوق بین الملل می باشد که متأسفانه یک ضعف حقوق بین المللی است، علی رغم آنکه دادگاه ها و مکانیزم هایی است تمام نقض ها پوشش داده نمی شود و اتفاقات بسیار و تجاوزات متعددی رخ می دهد که حقوق بین الملل نمی تواند اقدامی صورت دهد؛ نکته سوم علی رقم این ضعف ها حقوق بین الملل یک وجه مشترکی بین دولت ها و ملت ها و جایکه می توانیم یک مبنای منطقی و استقلالی را پایه گذاری کنیم دارد.

این کارشناس حوزه حقوق بین الملل، تصریح کرد: در واقع اگر بخواهیم با دولتی پیرامون اقدامی صحبت کنیم، برای مثال پیرامون دین خود صحبت کنیم نمی توان یک وجه مشترک ایجاد کرد، اما حقوق بین الملل آن ویژگی ممتاز و مثبتی که دارد این است که کشورهایی که این تعهدات را قبول کردند ممکن است در عمل نقض کنند اما در گفتار و منطق حقوقی نمی توانند انکار کنند و نمی توانند از آن مسئولیت کنار بکشند.

استادیار دانشکده حقوق دانشگاه تهران با مرور کوتاه بر سابقه تاریخی مسئله فلسطین و با اشاره به نقشه های تاریخی و اطلس های موجود، موقعیت جغرافیایی فلسطین و غزه را طی سال های گذشته بیان کرد و گفت: قبل اینکه عثمانی ها در جنگ جهانی اول شکست بخورند، حدود 5 درصد زمین ها از آن یهودیان بوده است و 6 الی 7 درصد در سرزمین های فلسطینی یهودی بوده اند، 400 سال عثمانی حاکم بود اما در جنگ جهانی اول از آلمان حمایت کرد و شکست که خورد تقسیم صورت گرفت.

وی اضافه کرد: در مرحله دوم سازمان ملل فلسطین را تقسیم کرد، در سال 1947 جنوب فلسطین به یهودیان اختصاص داده شد که اعراب به این تقسیم اعتراض کردند زیرا که یهودیان قسمت های بیشتری از این سرزمین بر خلاف قطعنامه مجمع عمومی اشغال کردند، در سال 1967 و در جنگ شش روزه کل فلسطین اشغال گردید و با مذاکرات صلح بخش هایی آزاد شد و اکنون کرانه باختری شهرک سازی هایی صورت گرفته است که از یکپارچگی فلسطینی گسسته شده و در جای جای آن یهودیان زندگی می کنند و نوار غزه نیز اکنون یک

باریکه کوچک شده است.

دکتر لطفی، عنوان کرد: بر اساس سابقه تاریخی، فلسطین بخشی از امپراطوری عثمانی بوده است، قبل از شکست آن کنفرانسی در سوئیس سال 1897 به رهبری تئودور هرتسل رهبر صهیونیست های جهان برگزار شد و در آنجا ایده وطن یهودی برای یهودیان پیش بینی شد و نقشه و طرح هایی که بتوانند در فلسطین و یا مکان های دیگر برای تشکیل کشور یهودی آغاز گردید؛ جنگ جهانی که آغاز گردید عثمانی شکست خود و در حین جنگ جهانی اول وزیر خارجه وقت انگلیس اعلام کرد که با تشکیل وطنی برای یهودیان در فلسطین به دیده مثبت نگاه می کنیم و سپس به رهبری یهودیان انگلیس نامه ای ارسال می کند و قول تشکیل وطنی یهودی را می دهد.

وی خاطر نشان کرد: فاتحان جنگ جهانی اراضی امپراطوری عثمانی را تقسیم می کنند و قسمتی از اردن و فلسطین به قیومیت انگلیس در می آید، انگلیس با توجه به اعلامیه بافورد موجب تشویق یهودیان گردید که از سراسر جهان به این سرزمین مهاجرت کنند و درگیری های بین اعراب و یهودیان مهاجر آغاز شود، سپس بعد از جنگ جهانی دوم انگلیس اعلام می کند من قادر به کنترل اوضاع نیستم که در نهایت مجمع عمومی در قطعنامه 181 که به تقسیم فلسطین اشاره کرده است نقطه عطفی در تاریخ فلسطین رقم می زند چراکه فلسطین را به دو قسمت دولت فلسطینی و یهودی تقسیم می کند.

سیداحمد طباطبایی لطفی، گفت: برخی حقوق دانان بین المللی در ارتباط با این تقسیم اعتقاد داشتند مجمع عمومی صلاحیت این اقدام را نداشته است لذا می تواند پایه ای باشد برای کسانی که از منظر گرایش دینی و دیگر گرایشات بر روی مشروعیت و صلاحیت آن بحث کنند، از اینرو رای مجمع عمومی که این قطعنامه حقوقی بوده است یا خیر، مورد نقد است لذا از این منظر کشور اسرائیل می تواند از نظر حقوق بین الملل مورد سوال قرار گیرد.

استادیار دانشکده حقوق دانشگاه تهران ضمن بیان نکته ای در جریان حمایت حزب ا[] لبنان از محور مقاومت فلسطین به بیان قسمت سوم مبحث پرداخت که در ادامه آمده است: در جریان حمایت های حزب ا[] از فلسطین می توان از منظر حقوق بین الملل اینگونه بیان گردد که حمایت های نظامی حزب ا[] یک امر مشروع حقوقی است زیرا که حزب ا[] به درخواست فلسطینیان در جهت آزادسازی سرزمین های اشغالی خود وارد میدان شده است؛ لازم به توضیح است که کرانه باختری و نوار غزه به یکدیگر وصل بوده اند، اسرائیل با اشغال های سال 1948 سبب شد فاصله جغرافیایی 20 و 30 کیلومتری بین نوار غزه و کرانه باختری ایجاد شود؛ لذا اکنون ملت فلسطین نمی توانند یکپارچه و ارتباطی داشته باشند.

وی ادامه داد: البته کرانه باختری به همان شکل باقی نماند و در جنگ 1967 کل فلسطین اشغال گردید و با مذاکرات صلح برخی از این اراضی بازگردانده شد و برخی اشغالی باقی ماند؛ شورای امنیت اشغال‌های سال 1948 را محکوم نکرد اما در اینجا شورای امنیت قطعنامه 242 را تصویب کرد و اعلام کرد اسرائیل به زمین‌های 1967 برگردد و زمین‌های اشغالی را آزاد کند؛ فلذا از نگاه حقوق بین‌الملل این سرزمین‌ها اشغالی است منتها اراده جدی از سوی قدرت‌ها برای آزادی آن نشان داده نشده است.

این کارشناس و استادیار دانشگاه به بیان قسمت سوم مبحث خود پرداخت و ابراز داشت: در مسئله حقوق مخاصمات مسلحانه دو موضوع مطرح است: اول، حق به جنگ یا مجاز به جنگ و دوم، حق در جنگ یا قواعد جنگ؛ پیرامون موضوع اول، در منشور سازمان ملل متحد جنگ ممنوع شده است و در بند 4 ماده دو منشور به صراحت می‌گوید کشورها نباید در روابط بین‌المللی خود به جنگ متوسل شوند و 193 کشور و قریب به اتفاق کشورهای عضو سازمان ملل هستند که آن را پذیرفته اند.

وی اضافه کرد: البته استثنائاتی وجود دارد، یکی دفاع مشروع و دوم شورای امنیت در جایی که صلح بین‌المللی در خطر بیافتد بر مبنای ماده 42 منشور اقدامات نظامی بر علیه کشور متخلف به عمل می‌آورد مثل کره شمالی یا در قضیه عراق و کویت مشاهده کردیم.

دکتر لطفی در پایان ضمن تاکید بر اقدامات غیرقانونی رژیم صهیونیستی در حق ملت فلسطین، تاکید کرد: اقدامات نظامی اسرائیل باید با این دو استثنا سنجیده شود، یعنی اگر با چوب و سنگ در مقابل اسلحه، بمب در منطقه کرانه باختری دفاعی توسط فلسطینیان صورت می‌گیرد نمی‌توان گفت اسرائیل از خود دفاع مشروع انجام می‌دهد بلکه بلعکس؛ لذا قواعد جنگ در حقوق بشر این است که جنگ مجاز است برای کسی که از خود دفاع می‌کند و یا حتی اگر جنگ متجاوزانه ای است هر دو باید به قواعد جنگ پایبند باشند و از اصل تبعیض بین نظامی و غیر نظامی و اهداف نظامی و غیر نظامی تبعیت کنند لذا اصل تناسب در اقدامات نظامی اسرائیل به صراحت گفته است که اسرائیل درگیری کوچکی را به درگیری خیلی بزرگ گسترش داده و از سلاح‌های ممنوعه استفاده کرده و به اماکن مذهبی و دینی و بیمارستان‌ها حمله کرده است، لذا در ارتباط با غزه از منظر حقوق بین‌الملل که توسل به زور غیر قانونی وهم حقوق بشر نیز می‌باشد، این اقدامات قابل پذیرش نمی‌باشد.

